

تحلیل چند شاخصه از دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه

□ سید حیدر موسوی *

چکیده

دعای چهل و چهارم یکی از مناجات و دعاهای صحیفه سجادیه امام سجاده علیه السلام از بیان گهر بار حضرت در بدو ورود به ماه رمضان که ماه رحمت و مغفرت الهی می باشد، ایراد فرموده اند. هر چند این دعا از جمله دعا های می باشد که از حضرت در موقعیت خاص و برای زمان خاصی منقول می باشد. و غالباً حاوی مضامینی است که مربوط به آن موقعیت است. از جمله توفیق انجام وظایف خاص، یا تقاضای برکاتی، که در آن موقعیت، شامل حال بندگان خاص می شود. و یا توفیق اجتناب از معاصی و توفیق نجات از دام های گسترده دستگاه ابلیس. اما فرایند نگاه امام در این دعا را اگر عمیق بشویم نشان از مرتبه و جایگاه والا و با عظمت آن ماه را نشان می دهد و بدین معنا است که این جایگاه به عنوان سگوی عروج اندیشه، احساس و عمل بندگان باشد تا در مواقع دیگر نیز مشمول توفیقات و برکات الهی قرار بگیرد. حال در بیان مسئله سوالات اصلی که مطرح می شود؛ اولاً: نوع نگاه عرفانی امام علیه السلام به ماه مبارک رمضان چگونه است؟ ثانیاً: امام سجاده علیه السلام چگونه «ماه رمضان» را توصیف می کند؟ شاخصه ها و ویژگی های ماه رمضان در این دعا چیست؟ پیرامون آن سوالاتی دیگری نیز مطرح است از جمله اینکه: آیا خواسته های امام در ظرف دعای ماه رمضان بیشتر به بینش و گرایش های قلبی و اعتقادی صرف، مربوط می شود یا به گرایش های عملی نیز ارتباط دارد؟ در پاسخ به سوالات اصلی و دیگر سوالات، هدف ما بیان توضیحات مختصری است در فراز های این دعای شریف، تا به قدر توان خویش، از آن سرچشمه فیاض جرعتهی بر گیریم و راهنمای باشد برای تقرب به ایزد منان و نجات از آتش عذاب. ان شاء الله.

واژگان کلیدی: دعا، راه سعادت، جایگاه ماه رمضان، بیان، ویژگی.

* فارغ التحصیل سطح چهارم فقه و اصول مدرسه حجتیه.

مقدمه

امام سجاده علیه السلام ماه مبارک رمضان را عید اولیاء الله می‌داند. در صحیفه سجّادیه دعایی درباره ورود ماه مبارک رمضان وجود دارد که در این دعا حضرت کلیات نعمتهای الهی را می‌شمارد. و به شاخصه‌ها و ویژگی‌های ماه مبارک رمضان پس از حمد و سپاس و ستایش الهی که پیشاروی بندگان نعماتی را فراهم می‌کند و در ماه مخصوص بندگی درهای رحمت خویش را بدون هیچ کم و کاستی می‌گشاید، اشاره می‌کند. پس در ورود به صاحب خانه لازم است از فضای سپاس سیر صعودی اش را آغاز نماید تا به رشد و کمال واقعی خود نایل آید.

امام سجاده علیه السلام، در ابتدای ورود به ماه مبارک رمضان دعای خویش را از همین مقام بندگی آغاز می‌کند و به شاخصه‌های مهم اشاره می‌فرماید که در حدّ ظرفیت این نوشتار به بیان آنها پرداخته می‌شود در بُعد توصیف این ماه به عنوان گوهر رحمت الهی نام می‌برد که پهنایش در تمام آسمانها و زمین گسترده است و از جمله به این شاخصه اشاره می‌فرماید که نگاه ما به جایگاه با عظمت ماه رمضان عارفانه و برخاسته از درک و فهم عمیق باشد. این نوع نگاه امام علیه السلام به ماه پر فضیلت، نگاه بشارتی و چشم روشنی است اما از نگاه حضرتش به شاخصه هشداری نیز توجهی دارند که با وجود این همه لطف و مرحمت الهی، در زندگی ما انسانها خطراتی هم وجود دارد که اگر سر دچار آنها شدیم، نه تنها از مرحمت الهی باز می‌مانیم بلکه از تمام اهداف انسانی خود نیز باز خواهیم ماند. لذا آموزه‌های هشداری امام در برخی فراز های دعا نشان می‌دهد که خطرهای فرا روی ما هست که از باریتعالی در ظرف زمانی همین ماه، بخواهیم توفیق دهد تا از آنها اجتناب کنیم.

بخش نخست: نوع نگاه عرفانی امام علیه السلام به ماه مبارک رمضان

۱. ماه ستایش و یاداش

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ...؛ (فراز اول از دعای چهل و چهارم) ستایش
بی حد، خداوندی را سزاست که ما را هدایت کرد تا او را شاکر باشیم و از کسانی

تحلیل چند شاخصه از دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه □ ۹

باشیم که شایسته سپاسگزاری او هستند؛ شاکر نیکی های او باشیم تا در برابر این شکرگزاری، پاداش نیکوکاران را به ما عنایت فرماید.

خداوند متعال در میان ماه های سال سه ماه را به عنوان گوهر گرانبهای رحمت خویش انتخاب نموده است؛ ابتدا ماه رجب که در نفس خویش از عظمت والای برخوردار است و پیامبر مکرم اسلام ﷺ رجب را به شهرالله الاصلم خطاب نموده اند؛ بدان سبب آن را اصم نامیده اند که هیچ ماهی به پایه عظمت آن نمی رسد. مردم زمان جاهلیت به رجب حرمت می نهادند و در هنگام درخشش اسلام بر حرمت آن افزوده شد. (شیخ صدوق، ۲۸۱-۳۰۵ هجری ق، ص ۲۴) و فرمود: ﷺ، بدانید که رجب، ماه خدا، شعبان ماه من و رمضان ماه امت من است پس هر کس یک روز از رجب را روزه بدارد، مستحق رضوان الهی گردد. (شیخ صدوق، همان.)

با وجود این اوصاف در باره ماه رجب، او را به عنوان مقدمه شعبان و این دو ماه مقدمه های ماه رمضان، قرار داده شده است. (خمینی، روح الله، ج ۱۳، ص ۳۰-۳۱.) که پیامبر مکرم اسلام ﷺ در ماه شعبان با بشارت تمام فرمودند: ماه رمضان نزدیک شد و در این ماه مبارک، شما به ضیافت الهی دعوت هستید. (دعیتم الی ضیافة الله:) (مجلسی، محمد باقر، ۱۰۳۷-۱۱۱۰، ج ۹۳، ص ۳۵۶، ح ۲۵)

و لذا ماه رجب و شعبان هرچند در نفس خودشان فضائلی زیادی دارند با این حال آمادگی است برای رسیدن به ضیافت الهی، همچنانکه در دعای شب اول ماه رجب، نیز این آمادگی برای رسیدن به ماه شعبان و رمضان اشاره شده است که می فرماید: سزاوار است موقعی که در این دعا، (دعای شب اول رجب) به دعای آمادگی برای آمادگی در شعبان و رمضان می رسد آن را با توجه بخواند. (ملکی تبریزی، ۱۳۴۳ ق) ظرفیت عظمت این ماه به قدری است که نزول قرآن کتاب آسمانی عظیم الشان در آن تحقق یافته است و رمضان ماهی است که ابتدایش رحمت است و میانه اش مغفرت و پایانش آزادی از آتش جهنم. ماه رمضان، ماه شکستن «بت های نفس» و سجده عشق بر درگاه «عاشق و معشوق آفرین نامتناهی» است. و از مهم ترین دستورات این ماه صیام، امساک ظاهری و معنوی آن می باشد؛

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ
فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ أَيَّامَ مَا رَمَضَانَ مِنْ أَيَّامِهِ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْيَوْمِ الْقَائِلِ

نازل شده است که راهنمای مردم است و آیات روشنگری شامل رهنمودها و جدا کننده حق از باطل در بردارد؛ پس هر کس از شما که در این ماه حاضر (مقیم) بود براوست که روزه بگیرد.

رسول خدا ﷺ از عمق وجودش در پیشاپیش این ماه با عظمت خطاب به امت می فرمایند: ای مردم به درستی که رو کرده به سوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش. ماهی که نزد خدا بهترین ماه‌ها و روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعت‌ها است. ماهی که در آن به ضیافت خداوند متعال خوانده شده اید و در این ضیافت با تکریم از شما استقبال خواهد شد؛ به گونه‌ای که نفس‌های شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن عبادت و عمل شما در آن مقبول و دعای شما در آن مستجاب است. (مجلسی، محمد باقر، ج ۹۳، ص ۳۵۶ همان)

امام سجاده علیه السلام در بدو ورود به ماه مبارک رمضان و استقبال از برکات آن، با حمد و سپاس و ستایش الهی که پیشا روی بندگان نعماتی را فراهم می‌کند؛ به ستایش می‌پردازند و بر خویش لازم می‌دانند که در بدو ورود به صاحب‌خانه و صاحب سفره‌ای پُر برکت، از فضای سپاس سیر صعودی اش را آغاز نمایند تا به رشد و کمال واقعی خود نایل آید. و با ترتیب بسیار زیبا و جالب منطقی از پیشگاه باریتعالی در طی فقراتی، درخواست‌های کرده اند.

حضرت به پیشگاه حضرت حق تعالی چنین عرضه می‌دارد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَنَا مِنْ لِنَكُونِ لِإِحْسَانِهِ مِنْ
الشَّاكِرِينَ، وَ لِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ ستایش ویژه خداست که
ما را به سپاس‌گزاری اش هدایت فرمود و ما را درخور سپاس قرار داد، برای این
که از شکر گزاران احسانش شویم؛ تا در برابر این سپاس و شکر، پاداش
نیکوکاران را به ما عطا کند.

امام علیه السلام در عصر و جامعه که از لحاظ محتوای دینی و آموزه‌های اسلامی به شدت در اختناق بوده با تمام امید و نگاه ارزشی فرایند بندگی به پیشگاه خداوند را در جامعه ترسیم می‌کند و در واقع مصلحت‌اندیشی و تدبیر زندگی را به باریتعالی می‌سپارد و می‌فرماید خدای را سپاس که ما را به سپاس‌گزاری اش هدایت فرمود و به ما اهلیت بخشید تا از شکر گزاران

تحلیل چند شاخصه از دعای چهل و چهارم صحیفه سجاده ۱۱

درگاه او باشیم. شاید به نظر می‌آید ضمیری که در "أَهْلِهِ" هست به خود خدای تعالی برمی‌گردد که یعنی ما را از "اهل الله" قرار داد. این احتمال هر چند متضمن معنای لطیفی است، لکن احتمال آن را ضعیف دانسته اند. (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۱۳، ص ۲۱).

۲. نسبت واژه حمد با شکر

حمد، به معنای ستایش در برابر نکوهش قرار دارد و به افعال آزادی و کمال به دست آمده‌ی اختیاری ستایش شونده به کار می‌رود. (خمینی، روح الله، ۱۴۱۰ قمری. ص ۴۲-۴۳) برخی تفاوت دو واژه را در بیانی دیگر می‌فرمایند: «حمد» و «شکر» ارتباط نزدیک و تنگاتنگی باهم دارند، اما متفاوت نیز هستند. «حمد» در فارسی به «ستایش» ترجمه می‌شود، به گونه‌ای احساس تعظیم و خضوع نسبت به فردی، سرچشمه می‌گیرد؛ فردی که ما خوبی‌های در وی سراغ داشته باشیم؛ به آن خوبی‌ها توجه کنیم و جویای ستایش آن خوبی‌ها باشیم. طبیعی است هر زمان انسان در مقابل کمال، جمال و زیبایی در خور توجهی قرار بگیرد، حالتی انفعالی، عاطفی و احساسی نسبت به آن پیدا می‌کند؛ و به گونه‌ای می‌خواهد در برابر او خضوع کند. اما «شکر» به معنای «سپاسگزاری» است و در قبال نعمت یا خدمتی که به انسان می‌شود، انجام می‌گیرد. بنابراین سپاسگزاری و شکر، نوعی جبران و واکنش انسان در قبال خدمت، نعمت، عطا و احسانی است که به او شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲) (والحمد هو الثناء بالجميل على قصد التعظيم والتبجيل للممدوح سواء النعمة وغيرها، والشكر فعل يبنى عن تعظيم المنعم لكونه منعمًا سواء كان باللسان أو بالجنان أو بالأركان. فالحمد أعم من جهة المتعلق وأخص من جهة المورد والشكر بالعكس) _ به نقل از (فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، واژه حمد) اما نکته‌ای که در حقیقت دو واژه وجود دارد اینکه: نتیجه هر دو واژه، به معنای توجه، یادآوری، اندیشه نعمت و نیز نشان دادن و اظهار آن است. (همان، ص ۲۳) در برابر آن، واژه کفر و کفران به معنای فراموش کردن نعمت و نیز پوشاندن آن است. راغب، شکر را چنین معنا نموده است: (فی اللغة: تصور النعمة واظهارها، ويضادها الكفر وهو نسيان النعمة وسترها. اصله من عين شَكَرَى، ای ممثلة (شکر در لغت درک نعمت و اظهار نمودن آن است و نقطه مقابل آن کفر است که به معنای فراموشی و پوشاندن نعمت می‌باشد. و اصل شکر از چشمه پر از آب است). فالشكر على هذا، هو الامتلاء من ذكر المنعم عليه. بنابراین شکر

در این معنا به فراوانی از منعم یاد کردن و ذکر او را گفتن است. (ابوالقاسم الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی، ص ۲۶۵)

۳. عنایت خداوند به شاکرین

یک پرسش مهم ممکن است به ذهن بیاید که دعا و نیایش آیا برای این است که به خواسته های درونی ما پاسخ داده شود یا خود نیایش خصوصیت و موضوعیت دارد؟
نظر به اینکه احساس تشرف انسان و نیایش قلبی یا لسانی در محضر خداوند متعال از بهترین عنایات الهی است برای بندگان و شکی نیست که ضمن همین نیایش ها، گشایش ها به وجود خواهد آمد و لذا اصل توفیق به دعا و نیایش از بهترین عنایات الهی است و خود موضوعیت دارد و بدون شک، ستایش و سپاسگزاری، خود نعمت عظیمی است که نصیب هر کس نمی شود به عبارت دیگر، این طور نیست که نعمت سپاسگزاری نصیب همه بشود. اگر بنده ای موفق به شکر شد، این خود نشانه عنایت دیگری از سوی خداوند به آن است. (مصباح یزدی، همان. ص ۲۶)

۴. توجه امام علیه السلام به مسائل معنوی

امام علیه السلام، بیش از مسائل مادی به امور معنوی توجه دارند. البته این بدین معنا نیست که امام هیچ ارزشی برای مسائل مادی قائل نباشند و در قبال آنها شکر گزار نباشند؛ بلکه از نظر ایشان مادیات نعمت های با ارزشی هستند که خود را در قبال آنها مدیون می دانند؛ بنابراین شکر آنها را نیز بر خویش لازم و واجب می دانند. ولی در نزد آنان این امور در مقایسه با نعمت های معنوی، از درجه اهمیت کمتری برخوردار است. (مصباح یزدی، همان)
نعمت های معنوی که امام علیه السلام، در این دعا بر می شمرد از جمله خود ماه رمضان و انبوه نعمت هایی است که خداوند در این ماه برای بندگان در نظر گرفته است. که از جمله آن نعمت ها، شب قدر است که به بیان قرآن کریم از هزار شب برتری دارد. (سوره قدر) منتهی درک و فهم آن نیز مخصوص عده قلیلی از عباد الله است؛ همان عده اندکی که به فرموده خداوند متعال در قرآن، موفق به شکر آن می شوند: وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ. (سبأ، ۱۳).

۵. تصور غایت و هدف در افعال الهی برای انسان

پرسش: غایت و هدف خداوند از تعلیم سپاسگزاری و ستایش کردن یا هدایت ما در این چیست؟ با اشاره اندکی به دقت تصور عقلی، که گفته اند علت غایی در جایی متصور است که فاعل فاقد کمالی است و با انجام فعل، درصدد رفع این نقیصه و رسیدن به کمال است. چنین معنایی از هدف و علت غایی در افعال انسانی قابل تصور است. اما درباره افعال خداوند متعال معنا ندارد؛ البته دقیق ترین معنا در علت غایی ذات الهی این است که او اقتضای افاضه کمالات و بخشایش را دارد (مصباح یزدی، همان ص ۳۸)

امام زین العابدین علیه السلام در این دعا این معنا را به ما می آموزد که خداوند متعال ما را به ستایش و سپاسگزاری خودش هدایت فرمود. این عنایت خداوند بی هدف و گزاف نبوده است. هدف و غایت خداوند از این کار، ارتقای ما به مقام «حمد» و «شکر» بوده است. وقتی به مقام «حامدین» و «شاکرین» رسیدیم، لیاقت پاداش های بیشتر و بهتر را پیدا خواهیم کرد. اگر این هدایت الهی نبود، ما از این مقامات و پاداش ها بی بهره می ماندیم. به کار بردن این تعبیرات بلند قرآنی: {سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ} (آل عمران/۱۴۵) {سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ} (بقره/۵۸) {إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ} (توبه/۱۲۰) برای بیان همین منظور است. (مصباح یزدی، همان ص ۳۹)

۶. ارزانی دین و شریعت، مخصوص اهل ایمان

حضرت امام سجاده علیه السلام، در فراز دوم نیز از حمد الهی شروع می کند و به نکاتی اشاره می فرماید که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود

۱. سپاس و ستایش برای خداوندی که برای هدایت ما در طریق صحیح، دین و آئین خویش را به ما ارزانی داشت و شریعت خود را مخصوص ما گردانید؛ "وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ" تنها دینی که مورد رضایت خداوند می باشد آئین اسلام است {إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ} (آل عمران / ۱۹) برای حرکت نمودن و رسیدن به تقرب الهی، شناخت مسیر از اهمیت بسیار بالای برخوردار است؛ حضرت علی علیه السلام خطاب به کمیل فرمودند: ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ. (ابن شعبه الحرّانی، تحف الغول، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش، ص ۱۷۱).

(هیچ حرکتی نیست، جز آن که تو در آن، نیازمند معرفت هستی). خداوند متعال طریق هدایت را برای بشر ارائه نموده منتهی برخی از بندگان بر اثر نافرمانی از این هدایت محروم می‌شوند؛ {إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} (منافقون/۶) و ریشه نافرمانی بر می‌گردد به عدم معرفت و شناخت اصل مقصد و هدف واقعی که همان ابدیت و جاودانگی است. و عدم شناخت راه رسیدن به هدف و صراط مستقیم از غیر مسیر رهروان آن؛ یعنی پیامبر و ائمه علیهم‌السلام. و یا در خویشتن شنا سی دچار مشکل می‌باشد. همه این موارد از مراحل کمال انسان محسوب می‌گردد. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۱۲ش) ص ۳۹-۳۸.

۲. رهنمون شدن خدای متعال، عنایت دیگری می‌باشد که به ما ارزانی داشته؛ که حضرت علیه‌السلام در ادامه همان بخش از دعا می‌فرماید: وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنْنِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ؛ «سپاس خداوندی را که ما را در طریق احسان و نیکوکاری به راه انداخته است تا این راه‌ها را به عنایت و لطف او به سوی رضوان الهی بیماییم».

اهل معرفت، این تعبیر را بسیار معارف بلند و دقیقی دانسته اند که امام علیه‌السلام با ظرافت تمام در بیان کوتاه اما حکیمانه، هم راه و طریق را مشخص فرموده اند و هم ویژگی راه، در آن بیان شده است؛ چراکه راه عصیان ورزیدن و به بیراهه رفتن همچنان باز است. اگر دستگیری و عنایات ویژه الهی در کار نباشد، انسان حتی اگر به بالاترین مراتب یقین و اخلاص هم رسیده باشد، باز هم در خطری عظیم قرار دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۵۷).

بخش دوم: نوع نگاه توصیفی امام علیه‌السلام به ماه مبارک رمضان

در فراز سوم دعا، از یکی از راههای رسیدن به رضوان الهی پرده‌گشایی شده است؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ. گویی، امام زین‌العابدین علیه‌السلام به این مسئله مهم اشاره می‌کند که خداوند متعال ما را در راه صحیح؛ یعنی مسیر احسان و نیکوکاری به راه انداخته تا به منظور کمک به ما برای رسیدن به رضوان الهی، در زمره کاروان محسنین شویم: لِنَسْلُكَهَا بِمَنْنِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ. (فراز دوم از دعای ۴۴) پس هدف اعلا، رضوان الهی است؛ اما برای رسیدن به این هدف اعلا و برتر، قدرت خودمان کافی نیست. بلکه برای طی این مسیر

صعب و سخت، به فضل و منّ او نیاز داریم. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۳). و لذا در این بخش آنچه مورد پایش بیشتری قرار گرفته است نگاه به ویژگی ها و شاخصه های دعا است که در چند فراز، امام علیه السلام، به آنها پرداخته اند.

ویژگی ها و شاخصه های توصیفی ماه رمضان

۱. نسبت ماه رمضان به خداوند

در بیان امام سجاده علیه السلام اولین ویژگی این است که: خداوند متعال، ماه رمضان را به خودش نسبت داده است؛ یا با نگاه به عظمت و بزرگی آن نزد خداوند یا به جهت آگاهی دادن از اسماء الهی بودن آن (و اضافه الشهر الی الضمیر العائد الیه سبحانه اما لتعظیمه، و اما اشعارا بان رمضان من اسمائه تعالی). (حسینی مدنی شیرازی، سید علی خان، (م ۱۱۱۸ یا ۱۱۲۰ق)، ص ۱۱۲). برخی دیگر نیز قریب به مضمون فوق، فرموده اند: این نسبت ها و تشریف ها برای آن است تا ما اهمیت آن زمان و مکان را درک کنیم و از رحمت الهی بیشتر فیض ببریم. وقتی مکانی خانه خدا نامیده می شود، توجه بیشتری به آن جلب می شود و مردم بیشتر به آن روی می آورند؛ ماه خدا بودن ماه مبارک رمضان نیز به همین جهت است؛ چراکه رحمت الهی در آن زمان بیش از دیگر زمان ها می باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۹-۶۸). و خطبه پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که بندگان خدا را این گونه به سوی ماه رمضان ترغیب می کنند: دُعِیْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ. اشاره به همین نکته دارد. و اینکه این ماه منسوب به خداوند شده تا باعث اقبال بیشتر و بهره مندی بیشتر بندگان خدا از تفویضات ربّانی باشد.

۲. ماه انقیاد و تسلیم

ویژگی دیگر ماه مبارک رمضان، «شَهْرُ الْإِسْلَامِ» است. اسلام در معنای لغوی یعنی انقیاد و تسلیم بودن و به معنای طاعت نیز آمده است. (و الاسلام: اما بمعناه اللغوی ای الانقیاد و الطاعة لكثرة الطاعات فی هذا الشهر او بمعنى دين الاسلام لكون افتراض صومه من خصایص هذه الامه عندنا و عند الجمهور من العامه). (حسینی مدنی شیرازی، سیدعلی خان، همان، ص ۱۱۲) بدان

جهت که در این ماه، طاعات و روی آوردن به پیشگاه خدای متعال بیشتر می‌شود و یا ممکن است بدان منظور باشد که روزه این ماه اختصاص یافته و تشریح شده برای مسلمانان.

۳. ماه طهارت

ویژگی دیگری این ماه پُر فضیلت این می‌باشد که به ما راه طهارت و خلوص را نشان می‌دهد؛ امام سجاد علیه السلام، صفت زیبای دیگری برای ماه مبارک رمضان بر شمردند، ظرفیت پاک و پاکیزه سازی آن است: «وَشَهْرَ الطَّهُّورِ؛ «طهور» به معنی پاک و پاکیزه یا پاک کننده است. خداوند در جای جای قرآن کریم، نعمت با ارزش آب را طاهر و طهور نامیده و فرموده است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا؛ (فرقان/ ۴۸) از آسمان، آبی برای شما نازل کردیم که طهور است (شما را پاکیزه و تمیز کرده، آلودگی‌ها را از شما دور می‌کند.

ماه مبارک رمضان هم ماه طهور است؛ ماهی است که آلودگی‌ها را از بین می‌برد. غالب مردم، به طور متعارف، در طول سال، گرفتار آلودگی‌ها و گناہانی می‌شوند و ایشان را از خدا دور می‌کند. ماه رمضان، نسبت به دیگر ماه‌ها این خاصیت را دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۷۲)

۴. ماه تمحیص

به بیان مبارک امام سجاد علیه السلام، صفت زیبای دیگر ماه مبارک رمضان، خالص کنندگی آن است: «وَشَهْرَ التَّمْحِیصِ». کلمه تمحیص به معنای خالص گردانیدن چیزی از عیب و نقص است. (و التمحیص: تخلص الشيء مما فيه عيب؛) (حسینی مدنی شیرازی، سید علی خان، همان، ص ۱۱۲) و تمحیص در اینجا همانند تزکیه کردن تطهیر نمودن و از ردیف اینگونه الفاظ است. (التمحیص هاهنا كالتزكية و التطهير و نحو ذلك من الالفاظ.) (ابوالقاسم، الراغب الاصفهانی، واژه محص) همانند فرایند پاک شدن فلزات قیمتی در کوره بر اثر درجه حرارت بسیار بالا که از ناخالصی پاک می‌گردد.

خداوند فلسفه این درگیری‌ها و سختی‌ها را آزمودن آنچه در درون سینه‌ها شان است و سپس خالص و پاک گردیدن قلوب شان می‌داند: «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ». (آل عمران، ۱۵۴) خدای متعال درباره بعضی از انسان‌ها، به ویژه مؤمنان، چنین تدبیری را به کار می‌برد؛ از جمله این تدبیرها، فراهم کردن شرایطی برای

تحلیل چند شاخصه از دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه □ ۱۷

مؤمنینی است که در دلشان، آلودگی ها، غل و غش ها، ناسره ها و بالاخره آثاری از ضعف ایمان، عصیان، فسق و فجور و... وجود دارد. این گروه از مؤمنان در فرایند چنین تدبیر هایی آزموده شده، آرام آرام خالص و پاک می شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۷۴)

۵. ماه قیام و تهجد

ویژگی دیگری که امام زین العابدین علیه السلام برای ماه مبارک رمضان بیان فرمودند، «شَهْرُ الْقِيَامِ» بودن آن است. منظور از قیام در این ماه، سحرخیزی، شب زنده داری و تهجد است لذا این توصیه، به پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، **يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ * فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ...** (مزمل/۱-۴) بارز ترین نمونه اش در شب های ماه مبارک رمضان ظاهر می شود و می تواند بهترین الگوی از جانب پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، برای ما باشد.

۶. ماه نزول قرآن

امام سجاد علیه السلام، در ادامه دعا و در بیان گهر بارش از جمله ویژگی های ماه مبارک رمضان و شاید مهم ترین ویژگی این ماه، حادثه عظیم نزول قرآن کریم در آن است. حضرت برای بیان ویژگی فوق، این آیه شریفه سوره بقره را قرائت می کنند: **الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ.** (بقره/۱۸۵).

به همین دلیل، این ماه، ماه بهار قرآن است و در کنار پرداختن به نماز و روزه و دیگر عبادات، تلاوت قرآن هم یکی از عبادت های مهمی است که باید در این ماه به آن اهتمام داشت.

بخش سوم: بینش و گرایش امام علیه السلام به شاخصه های هشدار

عناوین گذشته نشان از جایگاه با عظمت ماه رمضان می باشد که ظرف نگاه ما نیز باید عارفانه و برخواسته از درک و فهم عمیق باشد. این نوع نگاه امام علیه السلام به ماه پرفضیلت، یک چشم انداز بسیار زیبا و بشارتی و چشم روشنی می باشد اما از سوی دیگر حضرتش به شاخصه هشدار نیز توجهی خاصی دارند که با وجود این همه لطف و مرحمت الهی، در زندگی ما انسانها

خطراتی هم وجود دارد که اگر سر دچار آنها شدیم، نه تنها از مرحمت الهی باز می‌مانیم بلکه از تمام اهداف انسانی خود باز خواهیم ماند. لذا آموزه‌های امام در فراز سیزدهم از دعا نشان می‌دهد که خطرهایی فرا روی ما هست که از باریتعالی در ظرف زمانی همین ماه، بخواهیم توفیق دهد تا از آنها اجتناب کنیم که حضرت به شش خطر مهم اشاره می‌فرماید و بعد از درود بر پیامبر و آل او از خداوند باریتعالی می‌خواهد ما را دور بدارد از الحاد در توحید و از تقصیر و کوتاهی در ستایش و از تردید در دین و از گمراهی از راه و مسیر عبودیت و بی‌احترامی به حرمت کبریایی الهی و گول خوردن از دشمن انسان؛ شیطان رانده شده.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَبِّتْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ، وَالتَّقْصِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ، وَ الشَّكَّ فِي دِينِكَ، وَ الْعَمَى عَن سَبِيلِكَ، وَ الْإِعْفَالَ لِحُرْمَتِكَ، وَ الْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

با ژرف‌نگری در دعای چهل و چهارم در می‌یابیم که قبل و بعد این دعا مقدمه می‌شود برای توفیق پیدا کردن از اجتناب از این شش شاخصه ذکر شده در دعا که البته برخی از آنها به تبعات قبلی خود اثر پذیر است در این بخش به بیان برخی از موارد شش گانه فوق پرداخته می‌شود.

شاخصه اول: الحاد در توحید

از مهم‌ترین شاخصه‌های این دعا در فراز دیگری که امام سجاده علیه السلام به آن می‌پردازند توفیق یابی اجتناب از الحاد در توحید است؛ بدین معنا که در اعتقاد به توحید انحراف بیابیم و به تعبیری برخی؛ تمایل پیدا کردن به باطل و روی گردانی از حق. (حسینی مدنی شیرازی، ۱۳۸۱-۱۳۴۹ق، ص ۱۳۲) و به بیان دیگر اینکه خدا را قبول داشته باشیم اما خدائی اش را قبول نکنیم؛ بدین معنا که اعتقاد انسان به اسباب بشری بیش از خدایی و مدیریت و ربوبیت خداوند متعال نعوذاً بالله باشد و جزو مصادیق آیه شریفه قرار بگیرند که به بیان همین نکته اساسی می‌پردازد: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف/۱۰۶) و بیشترشان به خداوند ایمان نمی‌آورند، جز اینکه (با او چیزی را) شریک می‌گیرند. و ایمانشان خالص نیست و در کارهای شان شرک وجود دارد. و توضیحی هریک از دو واژه الحاد و توحید را در معنا و درک صحیح از آنها می‌یابیم.

معنای لغوی واژه الحاد به معنی خمیدن و میل کردن به باطل را گویند. (حسینی مدنی

تحلیل چند شاخصه از دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه □ ۱۹

شیرازی، ۱۳۸۱-۱۳۴۹ق، ص ۱۳۲) برخی در توضیح بیشتری می‌فرمایند: کلمه «الحاد»؛ یا «ملحد»؛ معمولاً در مورد کسانی به کار می‌رود که منکر خدا یا منکر دین هستند، اما اصل لغت الحاد این نیست. قرآن در مورد الحاد تعبیراتی به کار برده است؛ { وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ } (الاعراف/۱۸۰). در این آیه الحاد نسبت به اسماء الهی به کار برده شده و آیاتی دیگر الحاد ملحدین را نسبت به خود پیامبر مکرم اسلام یا نسبت به آیات الهی به کار برده است. (النحل / ۱۰۳، فصلت / ۴۰) مفسرین و لغت‌شناسان گفته‌اند که منظور از الحاد میل از حق است. تعبیر ساده‌تر و معادل آن یعنی «انحراف»، الحاد به معنی منحرف بودن است. اگرچه انکار خدا هم يك مصداق انحراف است، در قرآن و روایت، کلمه الحاد بسیار وسیع‌تر از انکار خدا و دین است، بلکه به معنی هر گونه انحراف نسبت به توحید است. «ثنویه»؛ و دوگانه پرستان، اهل تثلیث، منکرین خدا، دهری‌ها و طبیعی‌ها از جمله فرقه‌هایی هستند که درباره توحید، انحراف داشته‌اند. (مصباح یزدی / ۱۳۹۱، ص ۲۹۹-۲۹۸) الحاد و انحراف افراد، منحصر در یهودی شدن یا مسیحی شدن نیست بلکه هر کسی مسیر انحرافی را بپیماید، دچار الحاد و انحراف شده است

۱. مفهوم الحاد در توحید

ابتدا معنای توحید این است که انسان بداند که هم ذات و نیز صفات مخلوقات محدود هستند و این تنها خداست که در همه امور به کمال محض و به بی‌نهایت مطلق توصیف می‌شود. الحاد در توحید ممکن است به دلایل ذیل ایجاد شود:

الف) عدم شناخت

نخستین خطر تهدید کننده انسان عدم شناخت و فهم صحیح از باریتعالی بوده که به دنبال آن، در سایر معارف اعتقادی نیز، انحراف پیدا می‌شود.

ب) آثار نیرنگ شیطان و غفلت از خدا

نتیجه مخرب غفلت از حریم با عظمت الهی، دلیل حقارت نفس و کوتاهی عقل و دوری از

واقعیت‌ها است، و این خود زمینه می‌شود برای کمپین شیاطین با انواع و اقسام خدعه و نیرنگ‌شان؛ زیرا قلب رها شده از حریم الهی، در اختیار شیطان در می‌آید که در وابستگی و تبعیت از دستورات او، بازی با خویشتن و از بدترین نوع اسراف است، چرا که اسراف خویشتن و از دست دادن شخصیت و نهی شدن از منش ذاتی است و کسی که اختیار خود را ندارد و در دست دیگری می‌باشد، در اسف بارترین شرایط، زندگی را سپری می‌کند زیرا در هر لحظه ممکن است دشمن، انسانیت او را به سوی پرتاب کند. (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۳، ص ۴۱۴)

۲. مفهوم الحاد در اسماء و صفات الهی

علامه طباطبائی در ذیل آیه شریفه «وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحُدُونَ فِي أَسْمَائِهِ...» (الاعراف/۱۸۰) کلمه "لحد" و "الحاد" هر دو را به يك معنا می‌دانند و آن میل از حد وسط به یکی از دو طرف افراط و تفریط است، لحد قبر را هم به همین مناسبت لحد می‌گویند، چون لحد هم در يك طرف قبر قرار دارد به خلاف "ضریح" که در وسط قبر است و "یلحدون" چه از ثلاثی مجرد بوده و به فتح "یا" قرائت شود، و چه به ضم "یا" و از باب افعال به يك معنا است، (طباطبائی، قرن: ۱۴، ج ۸ ص ۴۵۱) و به بیان دیگر ایشان در بحث از اسما و صفات الهی؛ الحاد بدین معنا است که خداوند متعال به واسطه اسمای خود آنچه را که در عالم ایجاد نموده و در اختیار بندگان قرار داده است تا درعین بر خور داری از داده‌های الهی، پی به وجود او ببرند، با این حال بندگان، آنها را به غیر خدا نسبت می‌دهند مثلاً شفای مریض را به طبیب یا دارو نسبت می‌دهند، در حالی که آفرینش دارو و ایجاد خواص آن و رابطه آن با بهبودی یافتن بیمار، فقط از ناحیه خداوند متعال است و هیچ کس در این رابطه، شریک او نیست.

چنان که در مورد اسماء دیگر الهی نیز باید توجه کرد که چنین خلافی را نباید مرتکب شد یا حتی در مرتبه شک هم نیاید قرار گرفت بدان گونه که امام سجاد علیه السلام بعد از اجتناب از الحاد و شرک، به این نکته پرداخته‌اند "وَالشَّكُّ فِي دِينِكَ" (فراز یازده از دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه).. و از خداوند متعال خواسته‌اند اجتناب از شک در دین را. که از دیگر مهم ترین عوامل انحراف در دین است.

شاخصه دوم: شك در دین

چه خوب است در طی این مسیر به بیراهه نرویم و دین را به گونه‌ای بشناسیم که انتخاب غلط نداشته باشیم. تا جایی که به صحت و درستی دین و رضایت و خواست خداوند در این انتخاب، یقین داشته باشیم. سپس تلاشمان معطوف شناخت تمام جزئیات دین شود و راه درست عمل کردن به دین را فرا گیریم. آفت این مرحله، شك و تردید در دین و دستوره‌های الهی است. نتیجه شك و تردید در دین، کوری دل و بی‌بصیرتی و در نتیجه، گمراهی است. که تعبیر این بیان در آیه شریفه به وضوح دیده می‌شود؛

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج/۴۶) (آیا (این کافران) در روی زمین به سیر و تماشا نرفتند تا دل‌هایشان بینش و هوش یابد و گوششان به حقیقت شنوا گردد؟ که (این کافران را) چشم‌های سرگرچه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده‌دلها کور است

به بیان دیگر: اگر انسان به مرحله یقین دست نیابد، به واسطه شك، در جا زده و توان حرکت در مسیر الهی را نمی‌یابد. برای همین امام سجاده علیه السلام در دعا پس از درخواست از خدا، برای دور ماندن از الحاد، به آفت شك در دین اشاره نموده و می‌فرماید: «وَالشَّكَّ فِي دِينِكَ»؛ یعنی خدایا ما را توفیق بده که از شك کردن در دین دور بمانیم و در دین شك نکنیم. اگر شك در دین پیدا شد «وَالْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ»؛ انسان نسبت به مسیری که باید در آن گام نهد، کوردل شده و آن را درك نمی‌کند. حق و باطل را تشخیص نمی‌دهد؛ چون دین صحیح را درست نشناخته، نمی‌داند که کدام مسیر درست است و کدام درست نیست. همچون انسان نابینا که نمی‌تواند در هنگام حرکت در مسیر، خطرها، گودال‌ها، صخره‌ها، حیوانات درنده و گزنده، مارها و عقرب‌ها و تهدیدها و آسیب‌ها را دیده و از آن‌ها خود را حفظ کند. کسی که دین را نشناخته و به آن یقین ندارد، به آسانی در خطرها گرفتار می‌شود. اگر انسان در مقام عمل قدر نعمت‌های خدا را ندانسته و به اوامر و نواهی و حدود الهی، عمل نکند، و اعمال واجب را بزرگ ندانسته و نسبت به آن چه باید احترام بگذارد، کوتاهی کند و از آن چه ممنوع است، دور

نشده و مرتکب حرام شود، خواه ناخواه در دام شیطان گرفتار شده و به هلاکت می‌رسد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷/۶/۳۱)

نتیجه

در دعای چهل و چهارم با عنوان دعای ورود به ماه رحمت الهی که یکی از اعمال عبادی آن روزه داری می‌باشد امام سجاده علیه السلام در نوع نگاه شان به عظمت ماه مبارک رمضان جایگاه مسئله توحید را بیشتر از همه آشکار می‌سازد بگونه‌ای که تمام اعمال عبادی ما برگشتش در این است که ما به مسئله توحید بیش از همه باید توجه کنیم؛ به بیان دیگر: اعمال عبادی که در ماه رمضان بیشتر تجلی می‌کند خود مقدمه‌ای می‌شود برای رسیدن به توحید. و لذا امام سجاده علیه السلام گرایش و نیش توحیدی را ریشه‌ای ترین اصل از میان پنج اصل اعتقادی که اساس دین به شمار می‌روند، می‌داند و به بیان برخی از بزرگان اگر همه دین را در یک کلمه خلاصه کنیم می‌شود "توحید" لذا امام علیه السلام، ابتدا جلوه‌های از ماه مبارک رمضان را نشان می‌دهد و در فرازهای بعد به مسئله الحاد در توحید اشاره می‌کنند و آن را یک خطر بزرگی برای امت مسلمان می‌دانند و وجود شاخص‌های دیگر را در پرتوی شاخص توحید تلقی می‌نمایند. اما مقصود امام از ذکر شاخص‌های دیگر به نظر می‌رسد به جوانب اعتقادی و عملی دین توجه می‌دهند که از دین از دو جنبه اعتقادی و عملی استوار می‌باشد.

کتابنامه

- ابن شعبه الحرّانی، حسن بن علی، تحف الغعول، عن آل الرسول، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق/
- ابوالقاسم، الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی، (۱۳۸۷)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مؤسسه الصادق الطباعه والنشر.
- امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۹۰، صحیفه السجادیه، انتشارات آئین دانش، چاپ دوم،
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴) دانش و روش بندگی، تحقیق محمد محرابی، قم، انتشارات اسراء، چاپ دوم.
- حسینی حسنی مدنی شیرازی، سیدعلیخان، تلخیص الرياض او تحفه الطالبین، تهران، مطبعه حیدری، ۱۳۸۱ق.
- خمینی، روح الله، (۱۳۶۴) تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۰ قمری.
- خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ پنجم ۱۳۸۹.
- شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۲۸۱-۳۱۱ هجری ق) (۱۳۹۶) هجری، فصول الاشهر الثلاثه، بیروت: دارالمجد البیضا: دارالرسول الاکرم صلی الله علیه و آله، ق ۱۴۱۲ = م ۱۹۹۲ = ۱۳۷۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۷) ترجمه تفسیر المیزان، قم، ج ۸، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، چاپ هفتم.
- مجلسی، محمد باقر، سال چاپ و نشر: ۱۳۸۶، بحار الانوار، اسلامیه، چاپ: ۴،
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱) صهبای حضور، شرح دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه، تدوین و نگارش: اسدالله طوسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ملکی تبریزی، آیه الله میرزا جواد، (۱۳۸۰) المراقبات، ترجمه ابراهیم محدث، قم، نشر اخلاق، چاپ پنجم.
- ممدوحی کرمانشاهی، حسن، (۱۳۸۳) شهود و شناخت، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، ج ۳، قم، مؤسسه بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

